



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Daily Telegraph

## آموزش نیروهای حزب‌الله برای استفاده از پهپادهای ایرانی

براساس یافته‌های روزنامه تلگراف، ایران در یک پایگاه بسیار مخفی که به سرعت در حال توسعه است، در حال آموزش نیروهای حزب‌الله برای انجام حملات پهپادی به شمال اسرائیل است. براساس اسناد درز کرده از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تأسیسات ساخت پهپاد در ایران از زمان تأسیس‌شان در سال ۲۰۰۶ تاکنون، به‌رغم تحریم‌های آمریکا تا سه برابر بزرگ‌تر شده‌اند؛ تأسیساتی که در ۵ مایلی شهر مقدس قم واقع شده است و تحت نظارت رهبر معظم ایران کار می‌کند، از ۵۰۰ متر به ۱۵۰۰ متر توسعه یافته است. براساس اطلاعات درز کرده، رهبر ایران از سال ۲۰۰۴ دستور توسعه صنایع تولید هوایماهای بدون سرنشین ایران را صادر کرده است. تولیدکننده اصلی پهپادهای ایران، شرکت صنایع هوایی قدس، به‌رغم اینکه از ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳ تحت تحریم‌های خزانه‌داری آمریکا قرار گرفته است، همچنان به توسعه کار خود ادامه می‌دهد. این تأسیسات در واقع در ابتدا، یک باند کوتاه فرود برای هوایماهای کوچک کشاورزی بود که از ۵۰۰ متر در سال ۲۰۰۷ به ۱۰۰۰ متر در سال ۲۰۱۴ و ۱۵۰۰ متر در سال ۲۰۲۰ افزایش پیدا کرد. این افزایش طول باند اجازه داده است که پهپادهای بزرگ‌تر و پایداری بیشتری از آن استفاده کنند. چنین پهپادهایی در حمله ماه گذشته به اسرائیل مورد استفاده قرار گرفتند. یک آشیانه جدید سال ۲۰۲۱ به این مجموعه اضافه شده است.

این تأسیسات علاوه بر اینکه محل آموزش و آزمایش پهپادهای برد بلند مهاجر است که می‌توانند ۱۰۰۰ مایل را در ۲۴ ساعت طی کنند، این مرکز محل آموزش نوابران پهپادها هم هست. براساس اطلاعاتی که تاکنون محرمانه بود، مرکز موسوم به گنجینه میزان سران گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران است که در سراسر منطقه فعال هستند. از جمله این گروه‌ها حزب‌الله لبنان است. براساس اطلاعات به‌دست آمده در درون کشور شبه‌نظامیان خارجی در گروه‌های کوچک چند نفره در این مرکز آموزش می‌بینند. از زمان آغاز جنگ غزه در تاریخ ۷ اکتبر تاکنون حزب‌الله لبنان عملیات نظامی خود را علیه اسرائیل آغاز کرده است. تاکنون بیش از ۳۵۰۰ پرتابه به سمت اسرائیل پرتاب شده که باعث کشته‌شدن چندین سرباز و شهروند غیرنظامی شده است و بدترین شرایط جنگی را از زمان جنگ دوم لبنان پدید آورده است. این نبرد باعث بی‌جا شدن ۱۰۰ هزار اسرائیلی شده است و هیچ دورنمایی برای بازگشت آنها به محل جنگ در مرزهای شمالی اسرائیل وجود ندارد. براساس اطلاعات درز کرده، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح منطقه‌ای به وسعت ۹۴۹ هکتار (۵/۹ کیلومتر مربع) را در منطقه گنجینه در شمال قم برای تأسیس این مرکز در اختیار گرفته است.

پهپادهای ایرانی در حمله ماه گذشته ایران به اسرائیل مورد استفاده قرار گرفتند. هر چند تعداد زیادی از این تسلیحات توسط ائتلاف تحت رهبری آمریکا رهگیری شد، اما ایران تأکید دارد که این اقدام نظامی تنها یک اقدام آزمایشی بود و اقدام‌های بیشتری در قبال دشمن اصلی خود اسرائیل در نظر دارد.

ایران از زمان آغاز عملیات نظامی روسیه علیه اوکراین، به دلیل ادعای ارسال پهپاد به روسیه تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است. داگلاس بری، پژوهش‌گر ارشد نیروی هوایی در اندیشکده مؤسسه بین‌الملل برای پژوهش‌های استراتژیک می‌گوید که تأمین پهپاد برای حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها در یمن به ایران اجازه خواهد داد تا بتواند در میدان نبرد طراحی، عملکرد و دقت عمل موشک‌ها و پهپادهایش را آزمایش کند. او می‌گوید: «صادرات این سامانه‌ها به ایران اجازه می‌دهد تا نقاط ضعف ابزارهای پدافندی مقابله با آنها را نیز ارزیابی کند.» او می‌گوید: «تهران این توانایی‌ها را در اختیار شبکه بازگران منطقه‌ای‌اش قرار می‌دهد تا بتواند بر رفتار آنها مؤثر باشد و همچنین در سربازهای بزرگی برای رقبای منطقه‌ای‌اش ایجاد کند.»



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

عربستان در حالی آماده امضای یک توافق امنیتی تاریخی با ایالات متحده است تا پای واشنگتن را بیش از گذشته در این کشور عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس باز کند و مقدمه‌ای نیز برای عادی‌سازی روابط سعودی‌ها با اسرائیل باشد که جمهوری اسلامی ایران بارها به صورت علنی مخالفت خود را با هر دو مورد اعلام کرده است. رهبر انقلاب سال ۱۴۰۰ در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح گفتند: «ما باید به این توجه کنیم که در منطقه‌ی خود ما، حضور ارتش‌های بیگانه از جمله ارتش آمریکا مایه‌ی ویرانی و جنگ افروزی است؛ همه باید سعی کنند که ارتش‌ها را مستقل، متکی به ملت‌ها و هم‌افزا با ارتش‌های دیگر همسایگان و دیگر ارتش‌های منطقه قرار بدهند؛ صلاح این منطقه در این است. نگذاریم و نگذارند که ارتش‌های بیگانه به عنوان [تأمین] منافع ملّی خودشان که هیچ ربطی به ملت آنها ندارد - از هزارها فرسنگ راه بیایند و در این کشورها دخالت کنند، حضور نظامی پیدا کنند و در ارتش‌های آن‌ها دخالت کنند.» رهبری همچنین بارها سیاست جمهوری اسلامی ایران را در قبال مسئله عادی‌سازی نیز اعلام کرده‌اند؛ برای مثال، سال ۱۴۰۳ در دیدار با معلمان گفتند: «بعضی‌ها خیال می‌کنند با این کارها مسئله حل خواهد شد درحالی‌که با فرض عادی شدن روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی اطراف، نه تنها مشکل حل نمی‌شود بلکه مشکل متوجه دولت‌هایی خواهد شد که با چشم بستن بر جنایات رژیم اشغالگر با آن دست دوستی داده‌اند و ملت‌ها به جان خود آن دولت‌ها خواهند افتاد.» ایالات متحده آمریکا دارای ۱۷ پایگاه نظامی در کشورهای همسایه ما و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در این میان، عمان با ۶ پایگاه «المصنعه»، «فرودگاه بین‌المللی مسقط»، «المسیره»، «بندر الدقم»، «ثمریت» و «بندر صلاله» بیشترین پایگاه آمریکایی را در منطقه ما میزبانی می‌کند. امارات، عربستان، بحرین، قطر، عراق و کویت نیز میزبان پایگاه‌ها و سربازان آمریکایی در خاورمیانه و در همسایگی ایران هستند و در این میان، امارات و بحرین پیش‌تر و در سال ۲۰۲۰، روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کرده‌اند. نصرت‌الله تاجیک، دیپلمات بازنشسته در گفت‌وگو با هم‌میهن در خصوص همین موضوع به چهار سوال هم‌میهن پاسخ داده است:

**جمهوری اسلامی ایران از سال‌های پس از حمله آمریکا به عراق و افغانستان و همچنین حضور نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس خواستار پایان این حضور است؛ از زمان روی کار آمدن باراک اوباما در ایالات متحده، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که خلیج فارس دیگر اولویت واشنگتن نیست و ایالات متحده در حال شیفت به آسیای جنوب شرقی و چین است؛ آیا اقدامات عملی ایالات متحده این فرضیه را تأیید می‌کند؟**

بدون شکل‌گیری یک اراده سیاسی در میان همه کشورهای منطقه مخصوصاً در شمال و جنوب خلیج فارس و شروع گفت‌وگو کشورهای منطقه با یکدیگر و ایجاد یک گفت‌وگو غالب برای اعتمادسازی و اطمینان کشورهای به اینکه امنیت برای همه وجود دارد، در خواست یک‌طرفه خروج آمریکا از منطقه از سوی ایران، نه کارساز است و نه عملی؛ چرا که وقتی می‌خواهیم آمریکا از منطقه خارج شود، کشورهای دیگر احساس ناامنی خواهند کرد. نمی‌گویم این حس درست است، بلکه احساس کشورها از این خواست ایران را شرح می‌دهم. این احساس و این ترس باعث می‌شود که ما هر کاری کنیم، آن کشورها بیشتر به سمت آمریکا بروند و خودشان را به آمریکا چسبانند یا نزدیک کنند. بنابراین اگر هم قرار است ایده حل مشکلات منطقه توسط کشورهای منطقه عملی شود باید از یک راهکار درون‌منطقه‌ای و دسته‌جمعی بیرون بیاید و نه انفرادی. لذا در درجه اول بایستی تلاش کنیم گفت‌وگو غالبی در میان کشورهای منطقه شکل بگیرد و در اثر آن، همه کشورهای در جهت حرکت کنند. نه اینکه ما بگوییم آمریکا باید بیرون برود و بعد عربستان یا کشورهای دیگر بروند با آمریکا قرارداد امنیتی ببندند. در این منطقه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکش و به این سبب که حدود ۵۰ درصد از انرژی جهان را تأمین می‌کند، دینفعان متعددی، چه درون منطقه و چه بیرون از منطقه وجود دارند و باید همه دینفعان در یک جهت قرار بگیرند؛ در غیر این صورت همین می‌شود که الان با آن رویه‌رو هستیم. یعنی سالیان سال است که ما این خواسته را مطرح می‌کنیم،

ولی هیچ دستاورد مناسبی در جبهتی که خواسته‌مان محقق شود به دست نیاورده‌ایم.

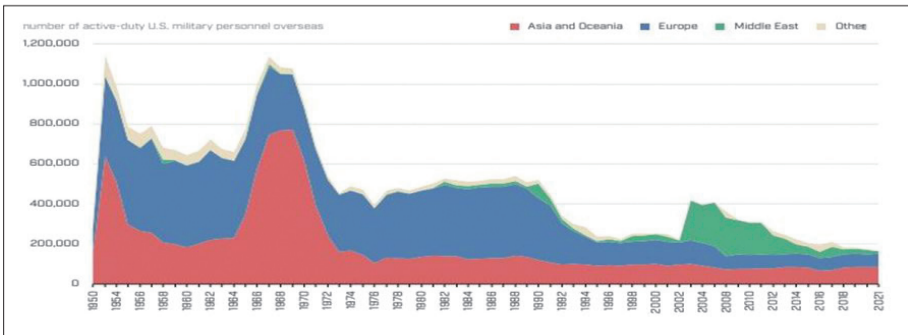
هیچ‌سندی از دولت آمریکا نداریم که اولویت‌بندی خاورمیانه را تغییر داده باشد. در اسناد فرادستی و سالیانه آمریکا مانند استراتژی امنیتی ملی که هر ساله منتشر می‌شود، صحبت‌هایی از تمرکز وجود دارد، ولی مفهومش این نیست که این تمرکز می‌خواهد اولویت‌ها را بهم بزند. چون آمریکا در تکنیک‌ها هنوز چیزی از خود نشان نداده که بگوییم به دلیل تمرکز و علاقه‌ای که آمریکا به کنترل چین دارد، می‌خواهد تمرکزش را از خاورمیانه بردارد یا اولویتش را تغییر دهد و یا در مورد چیزی که در ایران درباره‌ی آن صحبت می‌شود که بخواهد منطقه را ترک کند. هیچ نشانه‌ای از جهت اسناد و از نظر عملیاتی از ترک خاورمیانه یا کاهش اولویت خاورمیانه برای آمریکا وجود ندارد.

در زمان آقای اوباما تمرکز بر چین مطرح بود و ترامپ نیز این استراتژی را دنبال کرد؛ اما در همان زمان هم بیشترین منابع مادی، معنوی، وقت و امکانات سیاست خارجی آمریکا به دلیل وجود پایگاه‌هایش در منطقه و حکومت‌هایی که زیر چتر آمریکا هستند، مصرف خاورمیانه شده است. قبلاً فقط یک بخش نفت دیده می‌شد و می‌گفتند چون وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه کمتر شده، می‌خواهد تغییر اولویت را به وجود بیاورد. نفت فقط یک پارامتر است و پارامترهای مهمتر از نفت هم در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد؛ لذا با توجه به وضعیتی که الان در منطقه با آن روبه‌رو هستیم، از یک طرف وضعیت روسیه و حضور چین در منطقه و ارتباطات اقتصادی و سیاسی اش با کشورهای منطقه و حتی با عربستان و از طرف دیگر موقعیتی که ایران پیدا کرده که به نوعی دست بالا را دارد، طبیعی است که همچنان برای آمریکایی‌ها خاورمیانه اولویت داشته باشد و بعید است که قصد جابه‌جایی این اولویت را داشته باشد؛ مخصوصاً هر موقع که ایران به نوعی دست بالا را داشته باشد یا مشکلات سیاست خارجی و روابط بین‌المللی اش حل و فصل شود یا کاهش یابد، کشورهای عرب منطقه و به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل اینکه ایران را یک قدرت هژمون می‌دانند، التجاه (احساس پناه بردن) بیشتری به آمریکا پیدا می‌کنند و تلاش‌شان این است که همچنان آمریکا را درگیر منطقه نگه دارند.

اجازه بدهید کمی به آمار و ارقام توجه کنیم؛ در گزارش ۱۰ صفحه‌ای «ست‌جی، جونز» و «اسیموس بی. دانیل» پژوهشگران اندیشکده آمریکایی «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک» (CSIS) که به ارزیابی وضعیت حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه پرداخته‌اند و پیامدهای هر تغییری را در چارچوب سیاست دیرپای خاورمیانه‌ای واشنگتن بررسی کرده‌اند، یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها برای آمریکا در صورت خروج از منطقه گسترش نفوذ روسیه و چین و افزایش قدرت بازگیری ایران در منطقه عنوان شده است.

آن‌ها نیز تأیید می‌کنند که مدتی است تقاضا برای کاهش حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه افزایش یافته است. زیرا طبق یک ارزیابی، از آنجایی که اندکی از منافع حیاتی از آمریکا در خاورمیانه در معرض خطر قرار دارد، پس واشنگتن باید نیروهای خود را در این منطقه کاهش دهد و اهداف محدودتری را با تجهیزات کمتر دنبال کند. آمریکا بین ۴۰ تا ۶۰ هزار پرسنل نظامی در خاورمیانه دارد. طرفداران کاهش عمده نیروها استدلال می‌کنند که دلیل رقابت فرآیندها با چین در هند و اقیانوس آرام و روسیه در اروپا، همچنین کاهش اتکالی آمریکا به نفت و گاز خلیج فارس، رفع تهدید از سوی گروه‌های تروریستی مانند القاعده و نیاز به تمرکز بر دیپلماسی به جای نیروی نظامی، خروج از خاورمیانه ضروری شده است. با این حال، برخی دیگر معتقدند که ایالات متحده برای بازدارندگی و پاسخگویی به ترکیب پیچیده‌ای از دشمنان فعال در منطقه - از چین و روسیه تا گروه‌های تروریستی - به حضور قوی در خاورمیانه نیاز دارد، لذا، اگرچه منافع آمریکا در خاورمیانه به اندازه یک دهه پیش قابل توجه نیست، اما واشنگتن هنوز چند منافع اصلی دارد؛ از جمله حفظ توازن مطلوب قدرت در منطقه، کاهش تهدید سازمان‌های تروریستی علیه خاک و منافع آمریکا، حفاظت از آزادی کشتیرانی و دسترسی به نفت و جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای. لذا اهداف اصلی ارتش آمریکا در خاورمیانه نظارت و مقابله با فعالیت چین و روسیه؛ بازدارندگی و کمک به شرکا در پاسخ به سیاست تقابلی منطقه‌ای؛ نابودی سازمان‌های تروریستی که آمریکا و منافع منطقه‌ای آن را تهدید می‌کنند؛ حفاظت از آزادی حمل و نقل دریایی و دسترسی به نفت است و باید حضوری قابل توجه (بین ۲۰ تا ۳۰ هزار نیرو) اما متناسب برای تعامل محدود و قوی در خاورمیانه داشته باشد که در این زمینه نقش متحدان و شرکا بسیار مهم خواهند بود. موقعیت نظامی آمریکا در خاورمیانه از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون به‌طور کامل متغیر بوده است اما این روند با جنگ سرد بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد.

در طول جنگ سرد، آمریکا بر رقابت موازنه قوا با اتحاد جماهیر شوروی تمرکز داشت و در همین راستا بیشتر نیروهای فعال خود را



نمودار - تعداد نیروهای نظامی آمریکا در مناطق آسیا-اقیانوسیه (قرمز)، اروپا (آبی)، خاورمیانه (سبز) و بقیه دنیا (خاکستری)

## نصرت‌الله تاجیک دیپلمات سابق ایران

# راه‌حل معمای امنیت

در اروپا و آسیا مستقر کرد، نه در خاورمیانه. همانطور که در شکل (۱) دیده می‌شود تعداد پرسنل نظامی آمریکا در خاورمیانه در بیشتر دوران جنگ سرد کم بود. استدلال مقام‌های واشنگتن این بود که با توجه به برد بمب‌افکن‌های آمریکا، تعداد کمی از پایگاه‌های مورد نظر آنها باید به اتحاد جماهیر شوروی برای پشتیبانی از حملات تهاجمی نزدیک باشد و در نتیجه آن‌ها بر حاشیه جنوبی اتحاد جماهیر شوروی و برنارینا تمرکز کردند. در این دوران، استراتژی آمریکا مهار اتحاد جماهیر شوروی از طریق استقرار تعداد زیادی از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی در پادگان‌ها در نقاط استراتژیک در اروپا و آسیا بود. ارتش آمریکا پنج لشکر مستقر در اروپا داشت، نیروی هوایی نیز ۲۱۰۰ هوایما در بیش از ۴۰ پایگاه در اروپا مستقر کرد. نیروی دریایی هم در ژانویه ۱۹۴۸ گروه ضربت ۱۲۶ را ایجاد کرد که خارج از بحرین و عربستان سعودی فعالیت می‌کرد و در نهایت در اوت ۱۹۴۹ نیروی خاورمیانه (MEF) طراحی شد.

که با توجه به خواست تهران و همچنین نیروهای مقاومت به‌عنوان نیروهای نیابتی ایران از آن‌ها یاد می‌شود مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از منطقه؛ این نیروها اقداماتی را در نامن کردن پایگاه‌های نظامی آمریکا در سوریه و عراق صورت می‌دهند؛ این اقدامات تا چه میزان بر سیاست ایالات متحده تأثیرگذار است؟

اینکه نیروهای مقاومت را به‌عنوان نیروهای نیابتی تلقی می‌کنند یک اصطلاح بسیار غلط است؛ یعنی نیروهای مقاومت نیروهای نیابتی ایران نیستند و آنها دارای اهداف، منافع و انگیزه‌هایی هستند که

**علاوه بر مسائل نظامی، باید یک روند سیاسی یا گفت‌وگویی بین گروه‌های مقاومت و آمریکا وجود داشته باشد و چارچوبی برای حضور یا بیرون رفتنش به وجود بیاید. گروه‌های مقاومت مثل حشد الشعبی یا سایر گروه‌های مقاومت در عراق علاقه‌مندند یا سیاست‌شان این است که آمریکا از عراق بیرون برود و از آن طرف دولت عراق نظر مخالف دارد که این در آینده می‌تواند نقاری بین نیروهای مقاومت و دولت عراق به وجود بیاورد که در برخی از مواقع شاهدش بودیم**

